

حیاء و فضیلت آن در اسلام

چکیده

حیاء به عنوان یک قوه فطری، نقش اساسی در زندگی انسان دارد و این خصلت او را از فحشا و منکرات دور نموده به عنوان فرد با بصیرت و بیدار به جامعه تقدیم می‌کند. از این رو، در اسلام و دیگر شرایع آسمانی، حیاء و پاک‌نفسی به عنوان یک خصلت فطری و ضروری مورد تأکید قرار گرفته است. رفتار نیکوی حیاء زمانی در انسان ایجاد می‌شود که فرد حضور پرودگار و اشخاص را طوری حس کند که همیشه ناظر بر اعمال او هستند. پس حیاء در زندگی فرد مسلمان و حفظ نظم خانواده و جامعه از اهمیت خوبی برخوردار است. مقاله‌ها به هدف بررسی و تبیین فضیلت حیاء از دیدگاه اسلام و اهمیت آن در تحکیم نظم جامعه بشری بر محور این پرسش (حیاء در اسلام از چه فضیلت و منزلتی برخوردار است؟) پرداخته است. این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به نتایجی دست یافته است که نشان می‌دهد حیاء می‌تواند نقش مهمی در بهبود سیرت انسان ایفا کند و از انجام مفاسد اخلاقی در زندگی او جلوگیری نماید. همچنان حیاء عیب‌های افراد را می‌پوشاند و در کنار صداقت و راستی، شکر نعمت‌های الهی، گناهان انسان را به حسنات و نیکی‌ها مبدل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: حیاء، فضیلت حیاء، اسلام، جامعه، سلامت خانواده.

Abstract

Modesty as an innate power, plays an essential role in human life, and this trait keeps him away from prostitution and vices and presents him to the society as an enlightened and awake person. Therefore, in Islam and other divine laws, modesty and self-purity have been emphasized as a natural and necessary trait. The good behavior of modesty is created in a person when a person feels the presence of God and people in such a way that they are always watching his actions. So, shame and modesty are very important in life of a Muslim and maintaining order in the family and society. Therefore, this article aims to examine and explain the virtue of modesty from the perspective of Islam and its importance in consolidating the order of human society on the axis of this question (what virtue and dignity does modesty have in Islam?). Using the library method, this research has reached results that show that modesty can play an important role in improving human character and prevent moral corruption in his life. Still, modesty covers people's faults and along with honesty and truth, gratitude for God's blessings transforms human sins into virtues.

Keywords: modesty, virtue, virtue of modesty, Islam, society, family health.

Dawat Academic Journal

Fifth Year, Issue 1
(Spring & Summer 2024)

Volume
10

Received: 2024-6-12
Accepted: 2024-8-26

www.dawat.edu.af
Journal@dawat.edu.af

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ وَالَاهُ وَبَعْدُ:

در تمام ادیان الهی، به خصوص دین مقدس اسلام روابط انسان‌ها با یکدیگر، به‌ویژه روابط زن و مرد نامحرم، تابع حدود، ضوابط و شرایط خاصی است. چنانچه این روابط از چارچوب‌های تعیین‌شده خارج شود، آسیب‌های آن دامنگیر فرد، خانواده و جامعه خواهد شد. از این‌رو، خالق حکیم علاوه بر ودیعت نهادن حیاء فطری در آدمی، رهنمودهای ارزشمندی به‌منظور حفظ سلامت روابط میان افراد ارائه فرموده است. در دستورات بلند اسلامی، حیاء جایگاه ویژه‌ای دارد و ارتباط نزدیک با ایمان، تقوا، عفت و دیگر ملکات نفسانی برقرار می‌سازد. اهمیت این بحث از آنجا نمایان می‌شود که این خصلت نیکو تمامی ابعاد زندگی انسان، از جمله گفتار، کردار و رفتار را در بر می‌گیرد. وجود حیاء در فرد، او را محبوب دل‌ها می‌سازد؛ در حالی که فقدان آن، شخص را منفور و مطرود جامعه اسلامی می‌گرداند و آثار منفی دنیوی و اخروی به دنبال دارد. وضعیت کنونی جامعه و گرایش‌های جوانان به سوی آزادی‌های بی‌ضابطه، ضرورت تحقیق در خصوص این خصلت اخلاقی را بیش از پیش ایجاب می‌کند.

با توجه به این مباحث، هدف این تحقیق بررسی و تبیین فضیلت حیاء در اسلام و نقش آن در اصلاح جامعه از طریق نشر نتایج آن است. اهمیت و ارزش این پژوهش در این است که می‌تواند جامعه را به آگاهی برساند و فرهنگ حیاء و پاک نفسی را ترویج کند. پرسش محوری تحقیق که به آن پاسخ داده خواهد شد، این است که حیاء چیست و از نظر اسلام چه فضیلت و منزلتی دارد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که حیاء خود یک فضیلت است که اسلام تأکید بسیاری بر آن دارد و در این تحقیق تمامی جوانب این فضیلت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این مقاله از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن از طریق روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری می‌شود.

پیشینه تحقیق

- در بررسی پیشینه این تحقیق می‌توان از جمله کتاب‌های ذیل را نام برد:
- فرهنگ حیا، پژوهشی است از عباس پسندیده که در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسیده است. این کتاب در چهار بخش به کلیاتی پیرامون حیا، قلمرو حیا، کم‌رویی و بی‌حیایی پرداخته است. همچنان نوشته دیگری تحت عنوان «غچه‌های شرم» نیز از عباس پسندیده است که در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. در این هر دو اثر به صورت مشخص در باره به فضیلت و جایگاه حیا از نگاه اسلام بحث نکرده است.
 - ابوالاعلی مودودی در یکی از کتاب‌های خود به نام «حجاب» که در سال ۱۳۸۶ توسط نعمت الله شهرانی ترجمه شده است، مبحثی را به حیا اختصاص داده است و در بخشی از این کتاب در مورد حیا چنین می‌خوانیم: «ساحه حیا در تعلیمات اخلاقی اسلام به اندازه‌ای وسیع است که هیچ ناحیه از نواحی زندگی خالی از آن نیست».
 - کتاب «اخلاق فردی و اجتماعی» نشر شده سال ۱۳۹۲ از جواد محدثی که او هم یک بخش از کتاب خود را به بحث حیا اختصاص داده است؛ ولی در باره فضیلت حیا بحث مشخصی نداشته است.
- جنبه نوآوری مقاله حاضر نسبت به آثار موجود در این است که بیشتر به بحث در مورد فضیلت و جایگاه حیا در جامعه اسلامی پرداخته است. بیان فضیلت حیا می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از مفاسد اخلاقی داشته باشد. پس به هدف تبیین فضیلت شرم و حیا در حفظ نظم خانواده این تحقیق صورت گرفته است.

مفهوم کلمه «حیا»

واژه «حیا» در لغت به معنی شرم و آزر (عبدالنبی قیم، ۱۳۸۸: ۴۲۹) همچنان به معنای خود داری نفس از زشتی‌ها و ترک زشتی‌هاست. لذا می‌گویند: «استحیا-اسم

فاعلش مستحی است» و نیز گفته شده است که «یَسْتَحِی» که اسم فاعلش «مستحی» است. (حسین راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۴۵۵) خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحِیَّ أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا﴾ [البقرة: ۲۶]
ترجمه: بی شک خداوند حیاء نمی‌کند، از اینکه بیان کند مثال پشه یا بالاتر از آن را. و نیز در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ لَا يَسْتَحِیَّ مِنَ الْحَقِّ﴾ [الأحزاب:

[۵۳]

ترجمه: و خداوند از حق‌گویی شرم نمی‌کند.
اگر کلمه حیاء را از نظر لغوی تعریف کنیم گفته می‌توانیم که مقصد از «حیاء» آن شعوری است که انسان را از تمایل به ارتکاب منکر منع می‌سازد و یا آن قوه‌ای است که انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد. (ابوالاعلیٰ مودودی، ۱۳۸۶: ۲۶۱) همچنان گفته شده است که حیاء، نیرویی است مهارکننده و نظم‌دهنده که رفتار و افکار انسان را براساس «شرع» و «عرف» تنظیم می‌کند. (عباس پسندیده، ۱۳۸۶: ۲۰) حیاء دارای ارکان ذیل است:

۱. مهارکردن نفس؛

۲. فعل قبیح؛

۳. حضور و نظارت؛

۴. شخص حیاء‌کننده. (همان اثر: ۱۱)

از نظر اسلام، خلق شرم و آزرمانع حق‌گویی، طلب علم و یا امر به معروف و نهی از منکر انسان مسلمان نمی‌باشد. مسلمان بایستی در آن عرصه‌ها رعایت ادب و حکمت را بنماید. مسلمان در جستجوی علم و دانش است و از پرسیدن آنچه نمی‌داند خجالت نمی‌کشد. صحابه از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- درباره کوچک‌ترین مسائل سؤال می‌کردند و آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- بی آنکه خجالت و شرم مانع گردد، جواب سوالات‌شان را می‌داد.

فضیلت حیا در اسلام

از امور بسیار پسندیده‌ای که به انسان ارزش می‌دهد و مرتبه و مقام او را نزد حق و خلق رفعت می‌بخشد، شرم و حیا کردن از امور قبیح و زشت است؛ اموری که خدا و انسان‌های والا و عاقل آن را قبیح و زشت می‌شمارند. حیا که مایهٔ اولی و اصلی‌اش از سوی خداوند در وجود انسان نهاده شده است، باید به وسیلهٔ مربیان دلسوز رشد و نمو داده شود و با نصیحت و موعظه و تذکر تقویت گردد، تا وجود انسان در برخورد به امور قبیح و زشت از آلوده شدن و اتصال به خبائث امساک و امتناع ورزد. حیا حافظ زبان از انواع بدگویی‌ها و حافظ گوش از گوش فرا دادن به غیبت و تهمت و حافظ چشم از نظر دوختن به نامحرم‌ان و حافظ شکم از خوردن حرام و حافظ قدم از رفتن به مجالس خلاف خداوند -جل جلاله- است. (حسین انصاریان، بی‌تا: ۳۰۹) خداوند -جل جلاله- در ماجرای دختران حضرت شعیب علیه السلام و حضرت موسی می‌فرماید: ﴿فَجَاءَتْهُ

إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى أَسْتَحْيَاءٍ﴾ [الْقَصَص: ۲۵]

ترجمه: پس آمدپیش او یکی از آن دوتا که راه می‌رفت باشرم.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ، أَوْ بِضْعٌ وَسِتُّونَ شُعْبَةً، فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَذْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ، وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ». (اسماعیل بخاری، ۱۴۰۹: ۲۰۹)

ترجمه: از ابوهریره روایت شده است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «ایمان هفتاد و چند جز یا شصت و چند جزء است، بالاترین آن گفتن «لا اله الا الله» و پایین‌ترین آن «برطرف نمودن موجبات آزار و اذیت (خار و خاشاک و چیزهای دیگر) از سر راه است و حیا نیز قسمتی از ایمان است».

حیا یک ویژگی درونی است که انسان را به انجام کارهای نیک و پسندیده و دوری از کارهای زشت و ناپسند و ادار می‌سازد. لذا آدم با حیا از انجام کارهای که برخلاف کمال و مروت است. اگر مرتکب عمل حرامی شود، نزد الله -جل جلاله- شرم‌منده

می‌گردد. همچنین به خاطر ترک عمل واجب، از الله متعال حیا می‌نماید. چون کارپسندیده‌ای را ترک کند از مردم، خجالت می‌کشد. حیا بخشی از ایمان است. چنانچه ابن عمر می‌فرماید: «رسول الله -صلی الله علیه وسلم- از کنار یکی از انصار گذشت که برادرش را در باره شرم و حیا پند می‌داد. رسول الله فرمودند حیا بخشی از ایمان است. (زکریا نووی، ۱۳۹۴: ۲۴)

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- قَالَ: «الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ» (مسلم بن الحجاج، ۱۳۹۳: ۹۵)
ترجمه: از ابی هریره -رضی الله عنه- روایت است که رسول اکرم فرمودند: «ایمان هفتاد و چند شعبه دارد و حیا شعبه‌ای از ایمان است».

اقسام حیا

حیا از جنبه‌های مختلف، دارای تقسیمات متفاوتی است که تقسیم حیا با چهار ملاک صورت می‌گیرد:

ملاک ۱- تقسیم به اساس کار برد حیا است که آیا در جای خود به کار رفته یا خیر؟

ملاک ۲- تقسیم حیا به این اساس است که آیا پیش از عمل رخ داده یا بعد از عمل؟

ملاک ۳- تقسیم حیا به اساس انواع ناظرهاست.

ملاک ۴- براین اساس است که موقعیت قبیح، آیا از سنخ فعل است یا فکر؟

ملاک اول: حیا از این جهت که در چه مواردی بکار رفته و از چه چیزهایی حیا شده، به دو قسم (حیای مشروع و حیای غیر مشروع) تقسیم می‌شود. حیا به عنوان یک قابلیت، وقتی در جای خود به کار رود «حیای مشروع» نامیده می‌شود؛ اما اگر در جایی بکار رود که موضع حیا نیست «حیای غیر مشروع» نامیده می‌شود. از حیای مشروع به حیا تعبیر می‌شود و از حیای منفی به «کم رویی». (عباس پسندیده، ۱۳۸۳: ۳۱)

ملاک دوم: این است که آیا حیا پیش از عمل قبیح رخ داده، یا پس از آن؟ کسانی

که اهل حیا نیستند نه پیش از عمل شرم می‌کنند و نه پس از عمل؛ اما کسانی که اهل

حیاء هستند، ممکن است پیش از عمل شرم کنند و ممکن است پس از عمل شرمگین شوند.

ملاک سوم: این تقسیم بر اساس تفاوت ناظرها صورت می‌گیرد. ناظرها انواعی دارند، از این لحاظ حیاء نیز بر چند قسم (حیاء از مردم، حیاء از خود، حیاء از پیامبر، حیاء از فرشتگان و حیاء از خداوند -جل جلاله- تقسیم شده است.

ملاک چهارم: کار قبیح هم می‌تواند از قبیل «فعل» باشد و هم از قبیل «فکر». فعل و فکر از کارهای انسان است که می‌تواند زشت یا زیبا باشد. به همین جهت فکر قبیح نیز می‌تواند شرم‌آور باشد. (عباس پسندیده، ۱۳۸۳: ۳۲) شاه عبدالله دهلوی -رحمة الله علیه- می‌گوید: «شرم و حیاء بر چند قسم است: ۱- شخصی از گناه اجتناب می‌کند، به سبب آنکه حیاء می‌کند از حق تعالی که بینای امور سر و علانیه است و دانای کار ظاهر و خفیه ۲- پرهیز از هر معاصی می‌نماید، به جهت دیدن ملائکه از ایشان حیاء می‌نماید. ۳- آنکه حیاء می‌کند از صدور مناهی به سبب آنکه فرشتگان به خداوند متعال عرض اعمال می‌نمایند. پس به هر قسمی که باشد حیاء شعبه‌ای از ایمان است. (محمدعظیم حسین بر، ۱۳۸۵: ۹۴)

- **حیاء از خداوند متعال:** خداوند -جل جلاله- حیاء و پوشش را دوست می‌دارد. کسی که حاضر می‌شود بنده‌ای از بندگان خدا را از هستی ساقط کند و آبروی او را در جامعه ببرد، یا به وجود خدا ایمان ندارد و یا ایمانش آنقدر ضعیف است که نه خدا را ناظر اعمال خود می‌داند تا از او حیاء کند و بندگان را بی آبرو نکند و نه به روز جزا اعتقاد دارد که از بیم آن دست به این گناه نزند. (یوسفیان، نعمت الله، ج ۲: ۱۳۹)

- **حیاء از فرشتگان:** همراه هر انسانی دو فرشته بزرگوار است که بر او گماشته شده و هر چه انسان انجام می‌دهد، حفظ می‌کنند و بر اسراری که از مردم پنهان شده است آگاه اند. ترک گناه به خاطر حیاء از این ناظران، ارزنده است و ثواب دارد. (جواد محدثی، ۱۳۹۲: ۵۱)

- حیاء از خود: کسی که برای خودش ارزش و احترام قائل باشد، از خودش خجالت می‌کشد و گناه نمی‌کند. (همان اثر، ۱۳۹۲: ۵۰)
 - حیاء از مردم: مسلمانی که از مردم حیاء دارد، در دادن حقی که بر آن‌ها واجب است کوتاهی نمی‌کند و نیکی‌های آنان در حق خویش را انکار ننموده، با آنان به زشتی سخن نمی‌گویند و عورت خویش را مقابل آنان آشکار نمی‌نماید: «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ: لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ وَلَا يُفْضِي الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ وَلَا تُفْضِي الْمَرْأَةُ إِلَى الْمَرْأَةِ فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ.» (مسلم، ج: ۱، ۳۵۶)
- ترجمه: از پدر ابوسعید خدری نقل است که رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- فرمود: نباید هیچ مردی به عورت مرد دیگر و هیچ زنی به عورت زن دیگر نگاه کند و نباید هیچ مردی با مرد دیگر و هیچ زنی با زن دیگر (به حالت برهنه) در یک جامه واحد قرار گیرد.

آثار عفت و حیاء در جامعه از نظر اسلام

اسلام تأکید کرده است که انسان هر اندازه متین‌تر و با وقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای نامحرم نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود. در مورد مسئله حیاء و ارزش حیاء در ارتباط مرد و زن تنها اقتناع‌گریزه مطرح نیست، آن مسئله وحدت، یگانگی و اتحاد روحی بالاتر است. خداوند -جل جلاله- می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ [الرُّوم: ۲۱]

ترجمه: و از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنارشان آرام گیرید، و میان‌تان دوستی و مهربانی نهاد.

وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و حیاء را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم، جرأت نمی‌کنند، معترض آن‌ها شوند و بدین وسیله شناخته می‌شوند

که زنان نجیب و عفیف می‌باشند. بیمار دلان از این‌که به آن‌ها طمع ببندند چشم می‌پوشند؛ زیرا معلوم می‌شود اینجا حریم عفاف است، چشم طمع کور و دست خیانت کوتاه است. زن مسلمان باید آن چنان در میان مردم رفت و آمد نماید که علایم عفاف، حیا، سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد و با این صفت شناخته شود. در این وقت است که بیمار دلان که دنبال شکار می‌گردند از آن‌ها مأیوس می‌شوند و فکر بهره‌کشی از آن‌ها در مخیله‌شان خطور نمی‌کند. خداوند -جل جلاله- در آیت دیگری ابتدا به زنان شخصیت می‌دهد و نخستین دستور در زمینه عفاف و حیا صادر می‌کند و مخصوصاً به یک نکته باریک اشاره می‌کند تا مسائل دیگر در این رابطه خودبه‌خود روشن گردد، آنجا می‌فرماید:

﴿يٰۤاَيُّهَا النِّسَاءُ لَسْتُنَّ كَاَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ اِنْ اَتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا - وَقرْنِ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولٰٓئِ وَاقِمْنَ الصَّلٰوةَ وَءَاتِينَ الزَّكٰوةَ وَاَطِعْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُٗ ؕ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۲ - ۳۳]

ترجمه: ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوی پیشه کنید، پس به گونه هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته گویند و درخانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین در میان مردم ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و رسولش را اطاعت نمائید. جزء این نست که خداوند می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. (واحد تحقیقات مؤسسه فرهنگی هنری جام‌طهور، ۱۳۹۵: ۸۱۸)

بی‌حیایی و عوامل آن

بی‌حیایی یعنی مبادرت به کار قبیح در حضور دیگران، بدون هیچ‌گونه نگرانی. برخی افراد هیچ‌باکی ندارند که مردم، آنان را در حال بد‌کاری ببینند. اینان افراد بی‌حیایی هستند که اگر در حال گناه دیده شوند، هیچ‌گونه تأثر قلبی پیدا نمی‌کنند. فرد بی

حیا، برای حضور دیگران هیچ ارزشی قایل نیست و نظارت آنان، او را از انجام دادن کار قبیح، باز نمی‌دارد. به بیان دیگر، تفاوت میان حیا و بی‌حیایی، در عنصر بازدارندگی است. در حیا، فرد به جهت حضور و نظارت دیگران، از انجام دادن کار قبیح، باز داشته می‌شود؛ اما در بی‌حیایی، هیچ‌گونه باز دارندگی‌ای وجود ندارد؛ بلکه فرد به راحتی و با کمال شهامت در برابر دیگران، به کار قبیح مبادرت می‌ورزد. «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ حَدَّثَنَا زُهَيْرٌ حَدَّثَنَا مَنْصُورٌ عَنْ رَبِيعِ بْنِ حِرَاشٍ حَدَّثَنَا أَبُو مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأَوَّلَى إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ». (رواه البخاری: ۶۱۲۰)

ترجمه: یعنی: از ابو مسعود انصاری -رضی الله عنه- روایت است که گفت: «پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: آنچه را که مردم از سخنان نبوت گذشته درک کرده اند این است که اگر شرم نداری هرچه می‌خواهی بکن». از جمله عوامل عمده بی‌حیایی می‌توان از جهل و شکسته شدن حرمت نام برد:

۱- **جهل**: بی‌حیایی با جهل همراه است و هر جا جهل باشد، بی‌حیایی نیز حضور دارد و به همین جهت، بی‌حیایی از سپاهیان جهل شمرده شده است. آلوده کردن خود به زشتی‌ها، شکستن حرمت خویش و پایین آوردن منزلت اجتماعی خود، نشانه‌های جهالت و نابخردی است. همچنین رعایت نکردن حرمت دیگران تجری و گردن‌کشی در برابر آنان نیز از نشانه‌های جهالت و نابخردی است. (عباس پسندیده، ۱۳۸۳: ۱۳۸)

۲- **شکسته شدن حرمت**: حرمت میان فرد و ناظران، عامل برانگیختگی حیاست.

حضور کسی شرم برانگیز است که برای فرد، دارای حرمت و احترام باشد. اگر میان آنان حرمتی وجود نداشته باشد، شرمی هم وجود نخواهد داشت. بنابراین یکی از عوامل بی‌حیایی، بی‌آبرو شدن افراد است. از همین جا می‌توان به تأثیر منفی فاش کردن اسرار، عیبجویی و رسواسازی دیگران پی برد. اموری از این دست سبب از میان رفتن حرمت و آبروی دیگران می‌شود و حیای او را بر طرف می‌سازد. همچنان شراب نوشی یکی از

عواملی است که حیا را از بین می‌برد و موجب بی‌حیایی می‌گردد. (عباس پسندیده، ۱۳۸۳: ۱۴۱)

حیا فطری زن از نظر اسلام

در واقع تخلق زن بر حیا و آرم، در نفس وی ریشه دارد و زن در میان جامعه به حیا شهرت دارد و ضرب المثل حیا و آرم است. حتی صحابی بزرگ وقتی حیا و آرم پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را توصیف می‌کند، حیا و آرمی را کامل‌تر و بیشتر از حیا دوشیزگان سراغ ندارد. لذا می‌گوید: «حیا و آرم پیامبر -صلی الله علیه وسلم- بیش از حیا و آرم دوشیزگان در پرده بود». (جمال محمد فقی رسول، ۱۳۸۲: ۶۱) حیا فطری در انسان به منزله مواد خام است، سپس در قالب انداخته می‌شود و آن اگرچه تمام منکرات را بد و قبیح می‌داند مگر فهم و ادراک ندارد و سبب کراهیت و بد دیدن فعل منکر را فهمیده نمی‌تواند و این جهالت و نادانی احساس کراهیت او را در مقابل منکرات آهسته آهسته و بتدریج ضعیف می‌گرداند تا آنکه بقوه و غلبه شدن قوه حیوانیت، انسان به ارتکاب منکرات اقدام می‌کند و تکرار فعل مذکور قوه حسیه حیا را از بین می‌برد. هدف تعلیم در اسلام این است که این جهالت و نادانی را از غریزه حیا زایل می‌سازد و او نه تنها منکرات ظاهر و آشکار را برایش می‌فهماند؛ بلکه بدی‌های نیت، اراده، قصد و آرزوهای نفسی را که باعث ضعف آن می‌گردد، نیز توضیح می‌دهد و برای اینکه آن‌ها را به اساس بینایی و بصیرت قلبی بدینند. مفسد هر کدام را تنبیه می‌کند و بعد از آن مرحله تربیه اخلاقی می‌آید و بر حیا حاصل شده از تعلیم، قوت و شدت را می‌افزاید، تا در نفس وی جزئی‌ترین تمایل به بدی و منکر باقی نماند. ساحه حیا در تعلیمات اخلاقی اسلام به اندازه وسیع است که هیچ ناحیه از نواحی زندگی خالی از آن نیست و اسلام حتی آن را در اصلاح اخلاقی که به حیات روابط جنسی تعلق دارد نیز استخدام می‌کند و آن حیا است که انسان را بر پوشیده‌ترین مدخل شک و اشتباه در نفس آگاه می‌سازد و انسان را بر آن مراقب می‌گرداند. (ابوالاعلی مودودی، ۱۳۸۶: ۲۶۲) خصلت حیا در آیه

۲۵ سوره قصص به صورت ملموس ذکر گردیده است و خداوند (جل جلاله) در ماجرای دختران شعیب علیه السلام و حضرت موسی می فرماید: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى أَسْتَحْيَاءٍ﴾ [الْقَصَص: ۲۵]

ترجمه: پس آمدپیش او یکی از آن دوتا که راه میرفت با شرم.
حضرت عمر -رضی الله عنه- گفته است: «یعنی از جمله زنان جسور و بی بندوبار نبود.» (محمد علی صابونی، ۱۳۸۳: ۲۹۸)

از شیخ ابوالقاسم جنید -رحمة الله علیه- روایت است که گفت: «حیاء دیدن نعمت‌های حق تعالی و دیدن کوتاهی و تقصیر خود است». (زکریا شرف نووی، ۱۳۹۴، ج ۴: ۳۱)

تأثیر حیاء بر پوشش بانوان

حیاء زیباترین جامه دنیاست که خداوند -جل جلاله- در قرآن کریم هنگام بازگویی داستان دختران شعیب و حضرت موسی علیهم السلام می فرماید: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى أَسْتَحْيَاءٍ﴾ [الْقَصَص: ۲۵]

ترجمه: پس آمد پیش او یکی از آن دوتا که راه می‌رفت با شرم.
یکی از صفات کمال خداوند -جل جلاله- حیاست. حیاء مانع افتادن انسان در دام انحراف جنسی و ضامن پاک دامنی اوست. حیاء یکی از بهترین نیروهای کنترل کننده درونی است. پوشش و حیاء تفکیک ناپذیرند تا جلوه‌ای از حیاء در زنی وجود نداشته باشد، پوشش را هم با جدیت مراعات نخواهد کرد. زنان با حیاء کسانی هستند که با پوشش کامل، از نمایش بدن، موی سر و زینت‌های خود شرم دارند. (سید حسین اسحاقی، ۱۳۸۶: ۳۳)

حیای پیامبر صلی الله علیه وسلم

پیامبر -صلی الله علیه وسلم- با شرم و حیاترین شخص در میان مردم بود. هنگامی که از چیزی کراهت داشت صحابه آن را در چهره ایشان می دیدند. هر وقت در مورد یکی از مسلمین چیزی را که ناپسند می داشت برای او تعریف می کردند. سخنانش را متوجه وی نساخته و نمی فرمودند که چرا فلانی این چنین و آنچنان کرد؟ بلکه می فرمود: «چرا عده ای این گونه عمل می نمایند؟ بدون اینکه اسم آن شخص را بیاورد تا آبرویش بریزد. پیامبر صلی الله علیه و سلم هیچ گاه بد زبان و یاوه گوی نبوده و کسی نبود که در کوچه و بازار داد و فریاد نماید». (صحیح البخاری، حدیث شماره: ۲۳۳۳)

یکی از علمای که بعضی از محاسن رسول خدا را جمع آوری نموده بود می گوید: «پیامبر اکرام صبورترین مردمان بود و از هر کس دلیرتر و عادل تر و عفیف تر بود. هیچ گاه دست زنی را که در ملک یا نکاح، و یا خویشاوند و محرم او نمی بود لمس نمی کرد. او باشرم ترین انسان بود، چشم در چشم کسی نمی دوخت و صورت کسی را نمی نگریست، دعوت هر کسی را چه برده و چه آزاد می پذیرفت. (محمد غزالی، ۱۳۸۰: ۲۷۱)

نتیجه‌گیری

بی تردید نگارش در باره راهکارهای عملی در جهت احیای اخلاق حیاء به منظور پایداری خانواده و تعالی جامعه، مستلزم تحقیقات گسترده و تلاش‌های بی وقفه و پردامنه است. حیاء به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های بارز اخلاقی رابطه نزدیکی با صفات دینی دیگر مانند اخلاص، غیرت و بصیرت دارد. باوجود آن‌که دانشمندان غربی مانند و یلیم جیمز معتقد به اکتسابی بودن حیاء اند؛ اما در دین اسلام حیاء یک خصلت نیکوی فطری است. از آنچه گفته شد چنین نتیجه بدست می‌آید که:

۱- حیاء یکی از اوصاف فطری و بنیادین بشریت است که نقش خاص در ساختار سیرت انسانی دارد و عامل مهم جلوگیری از مفسد اخلاقی می‌باشد.

۲- اسلام دین تعادل است و حیاء مانع بیان سخن حق، طلب علم، همچنان امر به معروف و نهی از منکر نمی‌شود.

۳- حیا، خویش‌تنداری ارادی فرد در انجام اعمالی است که خلاف «شرع» و «عرف» است، و یک نوع احساس بازدارنده که انسان را از کارهای خلاف باز میدارد.

۴- خانواده‌ها و جامعه‌های مسلمان می‌توانند با بازگشت به خویش و احیای تفکر اسلامی و بدون نیاز به روی آوری به مکاتب گوناگون فکری، در تمام زمینه‌های که به مشکلات مواجه می‌شوند، مشکلات خویش را شناسایی و درمان نمایند. تاریخ به روشنی ثابت می‌کند که اسلام ظرفیت نظری و عملی لازم را برای حل مشکلات مطابق مقتضیات زمان در دنیای معاصر دارد.

سرچشمه‌ها

- قرآن کریم
- انصاریان، حسین، (بی‌تا)، زیبایی‌های اخلاق، ج ۱، ناشر: دارالعرفان.
- اسحاقی، سید حسین، (۱۳۸۶)، مروارید عفاف، ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما
- بخاری، محمد اسماعیل، (۱۴۰۹)، الادب المفرد مخرجا، ج ۱، ناشر: دارالبشائر الاسلامیه - بیروت.
- پسندیده، عباس، (۱۳۸۳)، پژوهشی در فرهنگ حیا، ناشر: قم، دارالحديث.
- پسندیده، عباس، (۱۳۸۶)، غنچه‌های شرم، نشر قم: دارالحديث.
- حسین بر، محمدعظیم، (۱۳۸۵)، نورالجواهر در اقوال اکابر، ناشر: شیخ الاسلام احمد جام.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، (۱۳۸۳)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، انتشارات: المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفریه.
- رسول، جمال محمدفقی، (۱۳۸۲)، زن در اندیشه اسلامی، مترجم: محمود ابراهیمی، ناشر: احسان.
- سایت نوار اسلام، (۱۳۹۴)، کتاب الیكترونیکی اخلاق اسلامی، منبع: کتابخانه عقیده.
- صابونی، محمد علی، (۱۳۸۳)، صفوة التفاسیر، ج ۳، مترجم: محمد ظاهر حسینی، نشر: احسان.
- عبدالباقی، محمدفواد، (۱۳۹۴)، ترجمه فارسی لولو و مرجان، ج ۳، مترجم: ابوبکر حسن زاده، منبع: سایت عقیده.
- غزالی، محمد، (۱۳۸۰)، مختصر احیاء علوم دین، مترجم: محمد صالح سعیدی. ناشر: کردستان.
- قیم، عبد‌النبی، (۱۳۸۸)، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.

- قشیری، ابوالحسین مسلم، (۱۳۹۳)، ترجمه فارسی صحیح مسلم، ج ۱، مترجم: خالد ایوبی نیا، ناشر: مؤسسه انتشاراتی حسینی.
- مودودی، ابوالاعلی، (۱۳۸۶)، حجاب، مترجم: نعمت الله شهرانی، ناشر: مکتبه علم و فرهنگ.
- محدثی، جواد، (۱۳۹۲)، اخلاق فردی و اجتماعی، نشر قم: نورالسجاد.
- نووی، یحیی، (۱۳۹۴)، شرح ریاض الصالحین، ج ۴، مترجم: محمدابراهیم کیانی، منبع سایت کتابخانه عقیده.
- نووی، زکریا، (۱۳۹۴)، ریاض الصالحین درسرخنان پیامبر، ج ۱، مترجم: احمد حواری نسب، ناشر: انتشارات کردستان، داندود از سایت کتابخانه عقیده.
- واحد تحقیقات مؤسسه فرهنگی هنری جام طهور، (۱۳۹۵)، دائرة المعارف طهور، ناشر: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- هروی، عبدالرحیم فیروز، (۱۳۹۴)، فیض الباری شرح مختصر صحیح البخاری، ج ۶، منبع: سایت عقیده.
- یوسفیان، نعمت الله، (بی‌تا)، اخلاق اسلامی، ج ۲، مرکز تحقیقات اسلامی.